

رژیم نوقاجاریه روضه خوانان در ۳۳ سال گذشته در راستای مشروعیت بخشی به موجودیت اسرائیل و استوار ساختن پایه های آن کشور، سیاستی در قالب جنگ زرگری را دنبال کرده است که طبیعتاً واکنش سران رژیم اسرائیل، بویژه بنیامین نتانیاها را در بر داشته است و آنان بارها خواهان یورش به تاسیسات اتمی در ایران شده است. ولی شوربختانه پایان این جنگ زرگری به جنگ واژه ها پایان نمی یابد و سرانجامش یورش اسرائیلی ها با پشتیبانی آمریکا به ایران خواهد بود تا در ضمن زهر چشم گرفتن از همسایگان تازی خود، نیز طرح "اسرائیل بزرگ" تئودور هر تسل و خاخام فیشمن را جامه عمل بپوشانند. [۱] در هر روی، در صورت یورش اسرائیلی ها به ایران و بمباران تاسیسات اتمی کشور و رها شدن مواد رادیو اکتیو در فضای ایران، بجز آنکه کشتار چند صد هزار تن از هم میهنانمان را در بر خواهد داشت، بلکه تا ده ها نسل در آینده ایرانی دُشَدیس [ناقص الخلقه] زاده خواهند شد [۲] که البته "ایرانستان" شدن ایران را بر اساس "کمان بحران پرتینسکی" که طراح آن برنارد لوئیس بوده است را نیز دنبال خواهد داشت.

در این میان رژیم روضه خوانان که همه [۱] نیرو و توان خود را در ۳۳ سال گذشته همواره معطوف تبدیل "ملت ایران" به "امت عربی" ساخته است، برای دستیابی به آن هدف از روز نخست بر سر کار آوردنش توسط دولت های غربی (بویژه بریتانیا، آمریکا، بیاری اسرائیل) در سال ۱۳۵۷، یک سیاست خشن "ایران-باستانزادایی" و "کورش ستیزی" را پیشه کرده است و تا به امروز همچنان در پیاده سازی کوشا می باشد. این رژیم ضد ایرانی "عربزده" [۳] که در ظاهر خود را دشمن صهیونیسم جهانی و سیاست های ضد انسانی، جنگجویانه و اشغالگرانه رژیم اسرائیل نشان می دهد، در نهان بزرگترین یار و یاور آنان بوده است. بویژه آنکه هر زمانی که سخن از ملت زجر دیده [۴] فلسطینبمیان می آید، ارادل و اوباش مذهبی بیدرنگ با اشک تمساح سرازیر کردن، نوک تیز پیکان یورش خود را بسوی کورش بزرگ برده و با نوح سرایی مدعی می شوند که اگر "کورش یهودیان از بابل آزاد نکرده بود، امروز فلسطین بدست آنان اشغال نمی شد!" البته در زمان هایی که برایشان سود دارد و تبلیغات ایجاب می کند، سران رژیم می که "کورش ستیز"، "پادشاه ستیز" و "ایران باستان ستیز" می باشند، نان را به نرخ روز خورده و همچون آفتاب پرست تغییر رنگ داده و مبدل به "کورش دوست" می شوند و دوباره با سرازیر کردن اشک تمساح، به یهودیان جهان یادآور می شوند که وجود و هستی اشان را به کورش و ایرانیان باستان مدیون هستند!

در هر روی، مکتب صهیونیسم در یکصد سال گذشته با تاریخ سازی و جعل تاریخ مدعی شده است که یهودیان اروپایی که به فلسطین اشغالی مهاجرت کرده اند، بازماندگان قوم باستانی می باشند که کورش بزرگ از اسارت در بابل رها ساخته بود. [۴] از آنسوی ارادل و اوباش مذهبی یا "عوام زورمند"، که شامل مکتبی ها یا اعضای گروه های فشار رژیم همچون بسیج و دسته های حزب الهی در ایران می باشند و نهایتاً از سوی دستگاه رهبری و سیستم راهبردی رژیم هدایت می شوند، خود را "صهیونیست ستیز" خوانده و به ملت ایران و جهانیان "مدافع حقوق فلسطینی ها" قالب نموده اند، در حقیقت غیر مستقیم با اسرائیلی ها هم آوا گشته و آنان را مردمان بومی آن سرزمین معرفی می کنند، تا به اشغال سرزمین فلسطینی ها مشروعیت بخشند. بگفته ای دیگر، براساس این منطق و ادعای تاریخی که مردمانی که در ۲۵۰۰ سال پیش در بابل بدست کورش بزرگ آزاد و در فلسطین اسکان داده شده اند و همگان یهودی شناخته می شوند - و این توجیه تاریخی را در اذهان جهانی نهادینه می سازند که امروزه نیز اسرائیلی ها همانند نیاکانشان حق مالکیت بر آن آب و خاک را دارند؛ - و

ملت فلسطین که امروز بخاطر عربیزان بودنشان، عرب شناخته می شوند و صهیونیسم مدعی می شود در سده ۸ میلادی از شنزارهای عربستان بدان سرزمین مهاجرت نموده اند بایستی به یکی از کشورهای اصلی خود که عربستان است بازگردند!

افزون بر آن یکی از انگیزه های جنگ زرگری میان رژیم بنیامین نتانیاهو و رژیم روضه خوانان به همراه عواملش از جمله عبدالناصر بنی کنعان (معروف به ناصر پورپیرار)، حسن عباسی، عباس سلیمی نمین و علی اکبر رائفی پور در اشاره به جشن یهودی 'پوریم' و باصطلاح کشتار ایرانیان بدست یهودیان و نیز بزرگداشت و ستایش کورش بزرگ از سوی اسرائیلی ها، در حقیقت در راستای مشروعیت بخشی به هویت و موجودیت اسرائیل می باشد. بگفته ای دیگر، با اشاره به پوریم توسط دو رژیم اسرائیل و روضه خوانان، که یک داستان کودکانه بابلی بوده و هرگز در تاریخ رخ نداده است [۵] و ستایش از کورش بزرگ توسط اسرائیلی ها، هر دو با پر رنگ سازی مشترکات خوب و بد تاریخی در یک جمله، بویژه با ملتی همچون ایرانیان که یکی از انگشت شمار ملت های جهان با پیشینه تاریخی چندین هزار ساله بشمار می رود، خودکار به موجودیت اسرائیلی ها مشروعیت تاریخی بخشیده و اسرائیلی های امروزی را در قالب یک ملت کهنسال، که با ملت کهنسال دیگری همچون ایرانیان پیوندهای تاریخی داشته است را به جهانیان قالب می کنند.

اینک، دو پرسش مطرح می شود:

الف: آیا برآستی اسرائیلی های امروزی بازماندگان آن اقوام عبری می باشند؟

ب: اگر کورش بزرگ در سده ششم پیش از میلاد "جام جهان نمایی" می داشت و آینده و امروز را در آن می دید که چگونه فرزندان آن اسیران امروزه کمر به نابودی کشور و فرزندانش بسته اند، آیا هنوز آنان را از اسارت و بردگی بابلیان رها و به سرزمین هایشان باز می گرداند و پرستگاهایشان را بازسازی می کرد؟

پیش از پرداختن به این پرسش ها، جای دارد تا اشاره شود که حتا عبریان باستان برخلاف باورهای امروز که یهودی بوده و یهودیت (بعنوان ریشه کیش های سامی/ابراهیمی)، تاریخی چندین هزار ساله دارد، در کل جعل تاریخ و ساختگی می باشند. زیرا که پژوهش های تاریخی، زبانشناسی و دینی آشکار می سازند که کیش یهودی پس از کورش بزرگ و در زمان داریوش بزرگ، با آمیزش باورهای بُت پرستانه عبریان، قصه های بابلی و سومری به همراه باورهای مذهبی هندوایرانی براساس جهان بینی دین بهی [زرتشتی] بدست ایرانیان ساخته شده است.[۶]

ساختار جمعیتی یهودیان امروزی

شمارش کل یهودیان جهان امروزی بالغ بر ۱۳.۵ میلیون تن برآورد شده است، که به سه گروه مزراحی (۱۴٪)، سفاردی (اسپانیایی ۱۶٪) و اشکنازی (۷۰٪) بخشبندی می شوند.

نخستین گروه، یهودیان مزراحی (مزراحی) تنها با ۱۴٪ کوچکترین جمعیت یهودیان جهان را تشکیل می دهد، ولی کهن ترین آنان بشمار می روند. ادعا شده است که این گروه از فرزندان مردمان عبری زبان باستان می باشند که کورش بزرگ از اسارت در بابل رها ساخته بود و نیاکانشان بجای بازگشت به سرزمین اصلی خود، تصمیم به سکونت در گوشه و کنار امپراتوری هخامنشی گرفته بودند، از جمله در خود ایران، عراق امروزی، یمن و مصر. اسرائیلی ها جمعیت مزراحی را نیز بنادرستی "سفاردی های شرقی" می خوانند.

گروه دوم یهودیان سفاردی یا یهودیان اسپانیایی می باشند. برخی از مردمشناسان بر این باورند که سفاردی ها، بازماندگان یهودیان مصر و لیبی می باشند که در زمان رومیان به اسپانیا و پرتقال مهاجرت کرده اند.

سرانجام گروه سوم، اشکنازی ها یا یهودیان اروپایی می باشند که در اکثریت بوده و ۷۰٪ از کل یهودیان امروزی را متشکل می شوند. پژوهش های انسانشناسی و ژنتیکی نشان می دهد که جمعیت مزارحی از مردمان آسیای غربی (خاورمیانه) و سفاردی ها با مردمان شمال آفریقا و آسیای غربی در پیوند می باشند، ولی اشکنازی ها با هر دو گروه متفاوت بوده و هیچ پیوند نژادی با آند دو ندارد!

اشکنازی ها عبریان جعلی و یهودیان اجباری!

بر اساس سنت کیش یهودی، یهودیت نه تنها متعلق به "فرزندان اسرائیل" (بنی اسرائیل) است، بلکه از طریق مادر به فرزند منتقل می شود. از آنرو، برخلاف دو کیش دیگر سامی، اسلام و ترسا [مسیحیت] که هر کس بخواهد می تواند مسلمان و ترسایی شود، تغییر از یک کیش یا دین به یهودیت امکان پذیر نیست. بر این اساس صهیونیسم جهانی و هوادارنش چاره ای بجز آن ندارند تا مدعی شوند که کل یهودیان امروزی، 'عبری الاصل' و بازماندگان همان عبریان باستان ("بنی اسرائیل/فرزندان اسرائیل") می باشند که کورش بزرگ آنان از اسارت در بابل آزاد کرده بوده است. ولی مشکلی که صهیونیسم همواره با آن روبرو بوده است، اصلیت نژادی اشکنازی ها می باشد. زیرا که اشکنازی ها، ترک نژاد و از تیره خزارها می باشند ("دریاچه کاسپی" نیز به نادرستی به نام این عده "خزر" خوانده می شود [۷]) و با عبریان باستان که کورش بزرگ از بابل رها ساخت، هیچ پیوند نژادی، کیشی، زبانی یا تاریخی ندارند.

خزرها یا خزارها، مردمانی ترک نژاد بودند که پس از برون آمدن از ترکستان در شمال غربی چین و مهاجرت به شمال خاوری دریای کاسپین و شمال قفقاز (چچنستان و داغستان امروزی) کرده و پس از گذشت سده ها برای خود خاناتی بپا ساخته بودند. خزرها که مردمانی نیمه-عشیره ای بودند در سده هشتم ترسایی با توجه به فروپاشی شاهنشاهی ساسانی بدست تازیان و پیشرفت اسلام بسوی سرزمین هایشان، نیز وجود بیزانس مسیحی در آناتولی و از ترس و هراس آنکه مسلمان یا مسیحی شوند، تدبیر کرده و بدستور دو خان خود بنام های 'خاقان' (خان مهتر) و 'ایشا' (خان کُهر)، به کیش یهودی گرویدند. [۸] تا آنکه میان سال های ۹۶۵ و ۹۶۹ ترسایی، پادشاه روس های 'کی یف' بنام 'سویاتوسلاو یکم کی یف'، به

خانات ۳۰۰ ساله خزرها پایان بخشید و 'آلتی' پایتخت آنان را با خاک یکسان نمود. پس از آن یورش، مهاجرت بخشی از خزرها به اروپای خاوری و سپس اروپای باختری آغاز گشت که امروزه یهودیان اشکنازی یا یهودیان اروپایی بازمانده ی آن ترکان می باشند. پژوهش های مردمشناسی و زبانشناسی نشان می دهند که نه تنها خزارها در جمعیت چین ها، داغستانی ها و روس ها حل شده است، نیز مردم چواش ساکن جمهوری خودمختار چواشستان در ولگای روسیه، همانند اشکنازی ها از دیگر بازماندگان خزارها می باشند.

درهرروی، صهیونیسم جهانی نه تنها برای توجیه و مشروعیت بخشی به اشغال سرزمین فلسطینی ها و بیاسازی دولت اسرائیل توسط بریتانیا در سال ۱۹۴۷ و نیز عبری الاصل قالب کردن 'اشکنازی های تُرک تبار' به جهانیان و ارائه پاسخ به پرسشی که چگونه 'بنی اسرائیلی ها' سر در قفقاز و اروپای شرقی و سرانجام اروپای غربی در آورده اند، پروال گذشته به جعل تاریخ روی آورده اند.

این عده مدعی می شوند که ۱۴ سده پیش و پس از ورود تازیان به منطقه ِلوانت (کشورهای امروزی اردن، سوریه، لبنان، فلسطین ِل قبرس ِل بخش هایی از خاور مصر و جنوب ترکیه امروزی)، که یک سرزمین یهودی یا به ادعای آنان "اسرائیل باستان"! بوده است، اکثریت نزدیک به کل مردمان بومی آن سرزمین ها یهودی بوده اند که وادار به ترک سرزمین های خود شده و با فرار و مهاجرت به سرزمین های دیگر بویژه به اروپای شرقی، جمعیت یهودیان "اشکنازی" را می سازند. در نتیجه اشکنازی ها، بازماندگان یهودیان باستانی می باشند.

سازنده این جعل تاریخ، تاریخدان و اسلام شناس نامی انگلیسی به نام برنارد لوئیس (Lewis Bernard) می باشد [۹] که این دروغ را سه سال پس از ساخت اسرائیل در سال ۱۹۵۰ ترسای در مقاله ای ارائه داده بود. پس از چاپ آن مقاله، گُلدا مایر نخست وزیر اسرائیل به کابینه خود دستور خواندن و پخش آن را داده بود که امروزه این جعل تاریخی در همه جا پخش و تبدیل به یک حقیقت تاریخی شده است. برخی از لوئیس بعنوان راهنمای فکری و راهبردی بنیامین نتانیاهو نام می برند.

آیا به ادعای مکتب صهیونیسم، همه ی مردمان "اسرائیل باستان" پس از ورود تازیان به کشورهای دیگر پناهنده شده اند؟

تاریخ از زمان باستان تا معاصر نشان داده و ثابت می کند که کشورهایی که مورد اشغال بیگانگان قرار می گیرند ملت هایشان هرگز دستجمعی سرزمین مادری و موطن اصلی خود را رها نمی کنند تا به سرزمین های نویی، آنهم که چندین هزار کیلومتر دورتر مهاجرت کنند. بنابراین، مهاجرت هایی که پس از اشغال رخ می دهند، همیشه در گروه های ریز انجام شده اند، از جمله مهاجرت بخشی از بهدینان [زرتشتیان] ایران در سده ۱۰ میلادی به هند که امروزه 'پارسیان هند' شناخته می شوند.

بهر روی، کشورهایی که در کل تاریخ اشغال بیگانگان در می آیند به دو گروه بخشبندی می شوند:

۱ - کشورها و ملت هایی که به اشغال بیگانه در آمده، ولی با مبارزه به اشغال پایان میدهند:

این کشورها در حین آنکه زیربنای هویتی و تاریخی خود را پاس می دارند ولی بخشی از فرهنگ اشغالگران که معمولاً کیش (نه دین) و برخی از رسومات آئینی آنان می باشد را می پذیرند که بهترین نمونه آن ایران می باشد. با آنکه ایران پس از یورش تازیان به یک کشور اسلامی مبدل شد ولی ایرانیان زبان ملی، هویت تاریخی و بخشی از سنت ها و رسوم باستانی خود را از جمله جشنواره نوروز (جشن سوری، نوروز و 'سیزده بدر امروزی') که بزرگترین جشنواره باستانی ایران بشمار رفته و و یکی از ستون های اصلی فرهنگ و هویت ایرانی را متشکل می شود را همچنان نگاه داشته اند.

۲. کشورهایی که به اشغال در آمده و می پذیرند که تحت اشغال بمانند:

اینگونه کشورها و ملت‌ها، هویت ملی، فرهنگی و تاریخی خود را از دست داده و فرهنگ و هویت اشغالگران را هویت و ملیت خود می‌سازند، کشورهای همچون مصر و ترکیه که "اکثریت" مردمان بومی آن سرزمین‌ها نه عرب نژادند و نه ترک نژاد - ولی پیرو شدید احساسات پان-عریسم و پان-ترکیسم قرار گرفته و فرهنگ و هویت اشغالگران را فرهنگ و هویت ملی خود پنداشته و با جان و دل آن آن دفاع می‌کنند.

در نتیجه، ادعای صهیونیست‌ها مبنی بر آنکه اکثریت نزدیک به کل عبریان باستان به اروپا مهاجرت کرده اند نه تنها با گذشته و تجارب تاریخی در ستیز و ناهمخوان است، بلکه با منطق و عقل سلیم نیز سازگار نیست. بویژه آنکه در زمان‌های باستان و ۱۴۰۰ سال پیش که مردمان آسیا و اروپا برای خود سرزمین‌هایی با مرزهای مشخص قبیله‌ای، هویتی و فرهنگی داشته‌اند، اکثر مهاجرت‌ها با شکست روبرو می‌شده‌اند. همچنین، مهاجران در عهد باستان بخاطر سختی راه، بیماری، شیخون و غیره هرگز به مقصد نهایی خود نمی‌رسیدند و به نخستین سرزمینی که خود را در آن ایمن می‌پنداشتند اسکان می‌یافتند - که البته پس از ورود به سرزمین مهمان، بخاطر کمبود خوراک و منابع یا هر انگیزه دیگری، بومیان آنان را نپذیرفته و حتی دست به کشتارشان می‌زدند. نیز نمونه دیگر که بهترین نمونه در تاریخ معاصر می‌باشد، اشغال فلسطین توسط اشکنازی‌ها می‌باشد که هنوز پس از ۶۰ و اندی سال کشتار، تجاوز، خونریزی، احجاف و زورگویی که با پشتیبانی بدون قید و شرط آمریکا و اروپا روی داده است، با آنکه بسیاری از فلسطینی‌ها را آورده چهار گوشه جهان، بویژه به کشورهای همسایه خود ساخته‌اند، ولی هنوز نتوانسته‌اند فلسطینی‌ها را بطور کل از سرزمین‌های اصلی و پدری خود اخراج کنند.

بنابراین، این نویسنده بر این باور است که فلسطینی‌های امروزی در حقیقت بازماندگان و فرزندان راستین مردمان عبری زبانی می‌باشند که کورش بزرگ آنان را از اسارت در بابل رها ساخته بود که پس از یورش تازیان به منطقه لوانت در سال ۶۳۴ ترسایی، دقیقاً همانند مصریان، وادار به پذیرفتن اسلام گشته و بتدریج زبان تازی را جایگزین زبان عبری خود ساخته‌اند. البته پژوهش‌های ژنتیکی "بی طرفانه" در آینده می‌تواند "نظریه" نویسنده این سطور را تبدیل به یقین سازد.

در پایان نبایستی از مد نظر دور ساخت که هر زمانی که رژیم روضه خوانان در یک جمله "سخن از اسرائیل و عبریان باستان که بدست کورش بزرگ آزاد شده بودند" را به میان می‌آورد یا اسرائیلی‌ها با اشک ریزی مدعی می‌شوند که "نیاکانسان به دست ایرانیان بقتل رسیده‌اند"، در حقیقت در راستای اهداف صهیونیسم جهانی در مشروعیت بخشیدن به اسرائیلی‌های اشغالگر می‌باشد - و این "جنگواژه‌های" این دو رژیم، اشک تمساح، تعزیه و نمایش روحوضی بیش نیست، بویژه آنکه سران

رژیم اسلامی، نوکر و خدمتگذار اسرائیلی ها می باشند. بنابراین، هم میهنان نایستی فریفته □ این تعزیه بازی ها و تئاترهای سیاسی شوند.

شاپور سورنپهلو

لندن، روز تیر از ماه آذر سال ۳۷۴۹ بهدینی

هفتم آذرماه ۱۳۹۰

۲۸ نوامبر ۲۰۱۱

بروز رسانی ۱: ۲۶ شهریورماه ۱۳۹۱

سرانجام پژوهشهای ژنتیکی ثابت کرد که اشکنازی ها از مردمان خزر و تُرک نژاد می باشند و هیچ پیوند ژنتیکی با مردمان بومی لوانت یا عبریانی که کورش بزرگ از بابل آزاد کرده بود، ندارند.[۱۰]

دکتر اران الهایک (Elhaik Eran) از دانشگاه جان هاپکینز، نظریه راینلند (Hypothesis Rhineland) را منسوخ اعلام کرده [۱۱] و یافته های ژنتیست هایی همچون 'هری اوسترر' از دانشگاه 'یشیوا' [۱۲] را دروغین خواند و او را متهم به دروغگویی و مدرک سازی جعلی نموده است. [۱۳] دکتر الهایک، یک اسرائیلی، از پدری ایتالیایی و مادری ایرانی می باشد که به گمان زیاد بخاطر ایرانی بودن مادرش، مورد یورش صهیونیست ها قرار خواهد گرفت تا یافته های عملی او را بی ارزش و یهودی-ستیز (Semitic-Anti) جلوه دهند.

بروز رسانی ۲: ۸ مرداد ۱۳۹۶

پژوهشهای ژنتیکی تازه تری در تأیید نظریه □ این نویسنده که لبنانی ها نیز بازماندگان عبریان باستان می باشند، نشان می دهد که ۹۰٪ لبنانی ها بویژه در جنوب که مسلمان و شیعه می باشند، ساختار ژنتیکی آنان با عبریان باستان یکی می باشد. [۱۴]

بُن نوشت ها

۱. Shahak, I., "The Zionist Plan for the Middle East: The Israel of Theodor Herzl (1904) and of Rabbi Fischmann (1947)" – goo.gl/taKLA2

۲. سورنپهللو، شاپور، "عرب زدگی 'روی دیگر سکه' غرب زدگی؛ و خطری بزرگ برای هویت و فرهنگ ایرانی"

۳. بارها شده است که در رسانه های اجتماعی، برخی از هم میهنان نوشته اند که اگر اسرائیل ایران را بمباران کند، جمهوری اسلامی را نشانه خواهد رفت. در پاسخ به این دسته هم میهن خام-اندیش بایستی بگوییم، دانش و فناوری هنوز تا به آن اندازه پیشرفت نکرده است که بمب های اسرائیلی به سامانه ای بنام "روضه خوان یاب" یا "آخوندیاب" مجهز شوند و در زمان بمباران ایران تنها رژیم غوغاسالار و اراذل و اوباشان مذهبی را نشانه رفته و نابود سازند. این ایرانی، هم میهنان و حتا خانواده و عزیزان شما هستند، که کشته خواهند شد؛ - بویژه آنکه روضه خوانان و ناآقازدگان 'بیدرنگ' به کشورهای غربی و شرقی پناهند شده و با دارایی هایی که با چپاول و غارت کشور در بانک های کشورهای غربی انباشته اند، به زندگی منحوس خود در رفاه و شادی ادامه می دهند.

۴. Peled, M., "The General's Son: Journey of an Israeli in Palestine", Just World Books (2012).

۵ - سورنپهللو، شاپور، "استر و پوریم، از افسانه بابلی تا تبدیل آن به تاریخ قوم یهود!"

۶. به مقاله مفصل پژوهشی-دانشگاهی "ایران و ساخت کیش یهودی؟" نوشته دکتر مایکل مگی مراجعه شود:

Magee, M. D. "Persian and Creation of Judaism" -

https://www.cais-soas.com/CAIS/Religions/non-iranian/Judaism/Persian_Judaism/Persia_created_judaism.htm

۷. سورنپهللو، شاپور، "خزر"، نماوژه ای بیگانه بر روی دریاچه ایرانی

۸. P. B., Golden, "The Khazar Sacral Kingship". In Reyerson, Kathryn Von; Stavrou, Theofanis George; Tracy, James Donald. Pre-modern Russia and its world: Essays in Honour of Thomas S. Noonan, Otto Harrassowitz Verlag (2006), pp. 79–81.

۹ - برنارد لوئیس، یک اشکنازی و یهودی می باشد که از سال ۱۹۷۴ ترسایی در آمریکا سکونت داشته و بعنوان کارشناس شماره یک جهان اسلام شناخته می شود. برنارد لوئیس پدرمعنوی، فکری و راهبردی گروه تروریستی "اخوان المسلمین" و شعبات آن از جمله فدائیان اسلام در ایران می باشد. او کسیست که طرحی که امروزه به نام "کمان بحران برژینسکی" شناخته می شود و به فروپاشی نظام شاهنشاهی و بر سرکارآوردن السید روح الله خمینی سرانجامیده بود را ریخته و باجرا گذاشته بود.

۱۰. <https://gbe.oxfordjournals.org/content/early/2012/12/14/gbe.evs119.full.pdf>

۱۱. <https://gbe.oxfordjournals.org/content/early/2012/12/14/gbe.evs119.short?rss=1>

۱۲ - <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC18733>

۱۳. <https://gbe.oxfordjournals.org/content/5/1/75.full>

۱۴ - <https://news.nationalgeographic.com/2017/07/canaanite-bible-ancient-dna-lebanon-genetics-archaeology>